



۲۰۱۶/۰۱/۲۹

حمید انوری

ریزه گل در فاریاب هنوز با درد بینی بریده شده فریاد می زند

چهارشنبه ۰۷ دلو ۱۳۹۴ - خبرگزاری بخدی

[شماری از فعالان مدنی با راه اندازی فراخوان، خواهان انتقال ریزه گل خانمی که ده روز پیش در ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب قسمتی بینی اش بریده شد، به کابل شده اند.

بهار سهیلی، از فعالان مدنی که این فراخوان را راه اندازی کرده می گوید که یک داکتر در کابل آماده شده است تا تداوی لازم و جراحی پلاستیک را روی بینی بریده شده ریزه گل انجام دهد.



محمد یاسین ضیا، والی تخار پذیرفته که هزینه تداوی این خانم را پرداخت می کند، بکتاش سیاوش عضو پیشین ولسی جرگه نیز اعلام همکاری کرده است.

سهیلی به خبرگزاری بخدی گفت که وضعیت صحتی ریزه گل مناسب نیست و هنوز که ده روز از حادثه می گذرد او با درد بینی بریده شده به سر می برد.

ده روز پیش، بینی ریزه گل از سوی شوهرش که باشنده ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب است بریده شد.

خانم ریزه گل در حالی که قسمتی از بینی بریده شده خود

را در دست داشت با کمک چند زن دیگر خود را به کلینیک ولسوالی رساند و از آنجا به بیمارستان دولتی شهر میمنه منتقل شد.

گفته شده در قریه که ریزه گل زندگی می کند تحت کنترل طالبان است و شوهرش نیز پس از حادثه متواری شده است.

ریزه گل شش سال پیش با یک تن از اعضای فامیل خود ازدواج کرد و از قیصار خانه پدری اش به غورماچ رفت.

هنوز معلوم نیست که چرا بینی این خانم از سوی شوهرش بریده شده، اما او در روز اول حادثه گفته بود که بارها از سوی شوهرش مورد خشونت و شکنجه قرار گرفته است.

مشکل اصلی

ریزه گل در حال حاضر در شفاخانه دولتی شهر میمنه مرکز ولایت فاریاب بستری است و داکتران گفته اند که آنها به دلیل نبود امکانات قادر نیستند که بینی او را عمل کنند.

بهار سهیلی می گوید که دفتر والی فاریاب وعده داده است که ریزه گل را برای درمان به ترکیه انتقال می دهد اما به گفته او در حالیکه ده روز از حادثه می گذرد هنوز هیچ کاری عملی برای انتقال او صورت نگرفته است.

او به خبرگزاری بخدی گفت: "در حال حاضر این خانم درد می کشد و چیزیکه مهم است تداوی او است چه در کابل چه در ترکیه باید برای درمان او کاری صورت بگیرد".

فعالان مدنی که فراخوان کمک به ریزه گل را راه اندازی کرده می گویند که علاوه بر درد شدید، خطر عفونت دماغی این خانم را تهدید می کند.



خبرگزاری بخدی تلاش کرد تا در باره چگونگی انتقال این خانم به ترکیه نظر دفتر والی فاریاب را بگیرد اما موفق به انجام مصاحبه نشد.

فعالان مدنی از حکومت خواسته اند که برای نجات جان این خانم مداخله کند و با در اختیار گذاشتن یک هلیکوپتر زمینه انتقال او را از فاریاب به کابل فراهم کند.

بهار سهیلی می گوید که یک داکتر جراح در کابل حاضر شده است که ریزه گل را در شفاخانه خصوصی اش جراحی و تا پایان درمان نگهداری کند.

این داکتر به فعالان مدنی گفته که امکانات

لازم برای جراحی پلاستیک بخش بریده شده بینی این خانم در شفاخانه او موجود است.

و خبر بعدی:

(بانو ریزه گل برای تداوی به ترکیه می رود.

ریزه گل در روستای جرسیاه ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب زندگی می کند که چندی پیش بینی وی توسط شوهرش بریده شد. خانواده این زن می گویند: توان درمان وی را ندارند.

این زن از 10 روز بدین سو در شفاخانه افغان ترک شهر میمنه تحت درمان قرار دارد اما مسوولان این شفاخانه بیان می دارند که بینی او به جراحی پیشرفته نیاز دارد.

وزارت صحت می گوید: براساس هدایت داکتر فیروزالدین فیروز، وزیر صحت عامه، بانو ریزه گل برای ادامه تداوی به ترکیه فرستاده می شود.

این در حالی است که شوهر ریزه گل فرار کرده است و تاکنون نیز سر نخ‌ای از وی در دست نیست و بستگان این زن از دولت خواهان کیفر شدید شوهر او می‌باشند.)

تبصره:

"زن" جنس لطیف است و لطیف تر از آن، احساسات و عواطف انسانی زن است. "زن" مادر است، دختر است، همسر است و خواهر است. "زن" اساس خلقت است و بدون زن، زندگی وجود ندارد. "زن" است که زندگی است، پس قدر و منزلت زن را باید دانست، به زن باید احترام کرد و او را دوست داشت. پیامبر اسلام هم فرموده است که "بهشت زیر پای مادران است." و مادر "زن" است.

در دین اسلام هم "زن" جایگاه خاصی دارد، البته اگر ملا و مولوی و چلی و طالب بگذارند و از اسلام یک هیولا به نمایش نگذارند و انسانها بیشتر از اینکه کورکورانه پیروی از ملا های فروخته شده و نادان بکنند، عقل خود را به کار اندازند و در حد توان شان در موضوعات حیاتی، تحقیق، تتبع و جستجو کنند و چشم بسته به قضاوت نه پردازند که گناهی است بس عظیم. آخر گفته اند "از گهواره تا گور دانش بجوی".

در قرآن پاک در مورد زن چنین آمده است:

«و عاشروهنّ بالمعروف» (نساء/ 4، 9)، یعنی هرگونه ارتباط، برخورد و رفتار شوهر باید به گونه‌ی باشد که عرف و شرع و رفتار جوانمردانه با آن موافق باشد.

آیا بریدن بینی یک انسان و بخصوص یک زن و خاصاً هم بریدن بینی همسر، بصورت مطلق خلاف دستورات قرآنی نیست؟!

بریدن بینی بانو "ریزه گل" توسط شوهر نادان، نا انسان، نامرد، نا مسلمان و ددمنش او، نه تنها که خلاف شرع است، بلکه خلاف عنعنات پسندیده افغانی و انسانی نیز است. آن جنایتکار پلید و شرف باخته نه تنها که حکم صریح قرآن پاک را زیر پا کرده است، بلکه انسانیت و انسان بودن و افغانیت و افغان بودن را نیز به گند نادانی و جهالت خود آلوده است.

پیامبر اسلام نیز در مورد احترام به حقوق زنان چنین فرموده اند:

«اگر نماز نافله به جا می‌آوردی، پدرت تو را خواند، نماز را قطع نکن، اما اگر مادر فراخواند نماز را رها کن».

و اما در ملک برباد رفته ما دگر نه کسی پروای دین و دیانت دارد، نه از انسان و انسانیت، افغانیت هم با هزار درد و دریغ که به طاق فراموشی گذاشته شده است. اینجا دگر آنکه زر و زور دارد، هر چه دلش خواست انجام میدهد و خوب هم میداند که بازخواستی در قبال ندارد و چون مُربی داری، مربا بخور و آن هم از نوع غلیظ آن.

رسول کریم در جای دیگری میفرمایند: «افراد کریم و بزرگوار زنها را مورد احترام و تکریم قرار می‌دهند، ولی اشخاص پست و فرومایه به زنها اهانت می‌کنند و کرامت آنها را نادیده می‌گیرند».

مگر چه سود!!! آنکه در بند کتاب خدا نیست، پابند دستورات و رهنمائی های رسول او هم نمی‌تواند باشد. او دگر نه انسان به شمار میرود، نه افغان و نه هم مسلمان و پابند دین و عنعنات پسندیده افغانی.

این بینی بریدن ها که با درد و دریغ در کشور به خاک و خون غلتیده ما قوس سعودی خود را می پیماید، در حقیقت، بینی بریدن یک خواهر ما نبوده، بلکه به منزله بینی بریدن کشور و مردم آن بوده و میتوان گفت که بینی بریدن انسانیت است.

حدود چهار دهه، یعنی کمکی کمتر از چهل سال (۴۰)، می شود که افغانستان زیبای ما در آتش جنگ می سوزد و چهل سال جنگ هم بجز خونریزی و کشتار و بربادی و ویرانی و آوارگی و در به دری، به غیر از آتش و دود و باروت، بدون خون و خیانت و وحشت و بربریت، هیچ چیزی دیگری به ارمغان نیآورده است و یک نسل در همچو شرایط جنگی تقدیم جامعه گردیده اند و لائانی کودکی شان، همانا نفیر گلوله بوده است.

این نسل را معلم های آگاه و با شرافت و استادان مجرب و مسئولیت پذیر ضرورت است تا از نو الفبای زندگی و انسانیت تدریس کنند تا لاقل این نسل برباد رفته بتوانند فرزندان آگاه، مسئولیت پذیر، با احساس عالی انسانی و با هنر دوست داشتن و احترام به نوع بشر و دوری و اجتناب از هر نوع جرم و جنایت و خطا و خیانت به بار آورده و تقدیم نسل فردای کشور نمایند.

و اما ناگفته نباید گذاشت که در آن ویرانه سرا و در آن محنت آباد، هر کس از راه میرسد، می خواهد یا رئیس جمهور باشد، یا وزیر و سفیر و والی و وکیل و یا هم جنرال و مارشال و چند چیز دگر، مگر یک آدم پیدا نشد که بخواد معلم و یا استاد باشد و در خدمت فرزندان کشور و در دورترین قریه کشور برود و حق وطن و وطندار را ادا نماید. اگر چنین می بود، که نیست، شاید یک قسمت بزرگ از مشکلات روزافزون مردم در بند ما حل می شد.

بیسمارک صدراعظم آلمان چه زیبا و بجا گفته است:

"اگر به جای اسلحه با معلم به جنگ دنیا می رفتیم، همه دشمنان نابود می شدند."

در حالیکه برای این خواهر مظلوم خود صحت و شفای کامل و عاجل آرزو میکنیم، به همچو نامردان زمانه نفرین فرستاده و وجود ناوجود شانرا ننگ انسانیت و افغانیت میدانیم و نیز بی صبرانه منتظر اجرای عدالت در زمینه مانده و انکشافات بعدی در این قضیه را دنبال کرده و به اطلاع هموطنان عزیز خود میرسانیم.